

دایورجنت؛ فرار به سوی گذشته



دایورجنت (یا ناهمگون در معنای فارسی) روایتش دیگر آنقدر آشناست که حتی با دیدن چند سکانس اولیه و یا خواندن یک نقد کوتاه می‌توانید تا آخر ماجرا را حدس بزنید.

همشهری آنلاین - مهدی تهرانی:

دایورجنت (یا ناهمگون در معنای فارسی) روایتش دیگر آنقدر آشناست که حتی با دیدن چند سکانس اولیه و یا خواندن یک نقد کوتاه می‌توانید تا آخر ماجرا را حدس بزنید.

زمانی در آینده دور، در حالیکه جهان به سبب فجایع زیست محیطی و انسانی تقریباً دیگر جایی برای زندگی نیست، در شیکاگو عده‌ای از مردم نجات یافته دور هم جمع شده‌اند. دور شهر دیوار کشیده شده و اعمال قوانین خاصی به نظم امور کمک می‌کند. در اینجا مردم بسته به قابلیت‌های خود که به 5 گروه تقسیم شده‌اند...

دایورجنت و روایتش دیگر آنقدر آشناست که حتی با دیدن چند سکانس اولیه و یا خواندن یک نقد کوتاه می‌توانید تا آخر ماجرا را حدس بزنید.

در چند سال اخیر بازار ساخت چنین فیلم‌هایی داغ داغ بوده. به ویژه اینکه هنوز سری فیلم‌های "عطش مبارزه" با حضور جنیفر لورنس دی وی دی‌هایش دست به دست می‌شود. در دایورجنت یک کپی کوچک از جنیفر لورنس را شاهد هستیم: شیلین وودلی 22 ساله که پیش از این فیلم نوادگان را از او دیده بودیم.

با این حال نباید تصور شود ژانر آپوکالیپسی یک گونه اکشن و غریب است. آثار شاخصی مانند فیلم جاده که بر اساس ناول کورمک مک کارتی ساخته شده‌اند نمونه‌های مهمی در این ژانر هستند.

روایت یک جهان آپوکالیپستی و یا یک "پاد آرمان شهر" در فیلم‌های تخیلی اینچنینی؛ اصل ماجراست. به این مکان جغرافیایی در ناکجاآباد؛ باید یک قهرمان جوان اضافه کنید. و اگر این قهرمان دختر باشد و به تازگی از نوجوانی به جوانی رسیده؛ که بسیار بهتر است.

دایورجنت

شخصیت پردازی این جوان دختر نیز باید براساس دو انگاره خاص باشد: میل او به کمک به مظلوم و عطش وی برای مقابله با ظالم. اینها همگی دستور پخت و یا ساخت و ساز فیلم‌هایی مانند دایورجنت یا ناهمگون می‌باشد.

چاشنی این تولیدات نیز باید با ظرافت در نظر گرفته شود. برای مثال حتماً باید بازیگر نقش اول مقبول تماشاگران باشد. ضمن اینکه بازیگران نقش مکمل نیز باید چهره‌هایی خاص باشند.

در دایورجنت "کیت وینسلت" و "اشلی جاد" این بار را به دوش دارد. همچنانکه در عطش مبارزه امثال "دونالد ساترلند" و یا "فیلیپ سیمور هافمن" این گونه نقش‌های راهبردی را ایفا کردند.

در دایورجنت بحث کاست‌ها و طبقه بندی اجتماعی ابتدا به ساکن در جامعه‌ای آپوکالیپستی؛ بسیار متمدانه و انسانی جلوه‌گری می‌کند. جایی که مردم به 5 دسته تقسیم بندی می‌شوند.

این طبقه بندی شامل دانشمندان اهل علم و تحقیق؛ راستگویان اهل صداقت؛ محبت پیشه‌گان مردم دار؛ شجاعان بی باک و مهرورزان است.

اگر طبقه اهل علم نخبگان باهوش را تشکیل می‌دهد، راستگویان امور قضایی، محبت پیشه‌گان امور کشاورزی و مهرورزان به نوعی خادمان بی ریای مردم هستند. در این میان طبقه شجاعان و بی باکان است که وظیفه‌ی پلیس را برعهده دارد و طبیعی

است که قهرمان اصلی دایورجنت باید عضوی از این گروه باشد.

اما این دسته کار دیگری نیز برعهده دارد. تعقیب ناهمگونان. کسانی که نتوانسته‌اند عضو هیچ گروهی و یا طبقه‌ای بشوند. و حالا شدیداً مورد ظن رهبران این جامعه قرار دارند...

فیلم‌های آپوکالیستی عمدتاً مبارزه محور هستند. دایورجنت نیز از این قضیه مستثنی نیست. با اینحال بحث‌های مربوط به کرامات انسانی و رفتارهای عاطفی نیز در داستانک‌های محدود فیلم گنجانیده شده‌اند.

دایورجنت با بودجه 85 میلیون دلاری‌اش؛ یک عطش مبارزه کوچکتر است. با این تفاوت که کمی تا قسمتی فضای موجود به حال و هوای کنونی نزدیکتر است. از سوی دیگر دایورجنت نیز در 3 قسمت ساخته می‌شود. به نظر می‌رسد حال و هوایی که تریلوژی "ماتریکس" در سال 1999 ایجاد کرد حالا به گونه‌ای نوجوانانه در سینما

دایورجنت

ی هالیوود در حال ترک‌تازی است.

نیل بارگر کارگردان فیلم نیز پیش از این کمدی درام‌های موفقی مانند نامحدود محصول 2011 را ساخته بود. شعبده باز (با بازی ادوارد نورتون و جسیکا بیل) محصول 2006 دیگر ساخته‌ی اوست؛ با اینهمه بارگر در ساخت این فیلم آخرالزمانی چیز خاصی در مقام کارگردان نشان نداده است.

Divergent

کارگردان: نیل بارگر؛ فیلمنامه: ایوان داوتری و ونسا تیلور؛ بودجه فیم: 85 میلیون دلار؛ فروش فیلم: 250 میلیون دلار؛ زمان: 139 دقیقه؛ محصول 2014 آمریکا

بازیگران: شیلین وودلی (بئاتریس)؛ تئو جیمز (توبیاس)؛ اشلی جاد (مادر بئاتریس)؛ کیت وینسلت (جینین مانیوس)